**( کج ) سؤال از قيام مسيح بعد از سه روز**

**سؤال**

 مقصود از قيام مسيح بعد از سه روز چه بود ؟

**جواب**

قيام مظاهر الهيّه بجسد نيست جميع شؤونات و حالات و اعمال و تأسيس و تعليم و تعبير و تشبيه و ترتيب ايشان عبارت از امور روحانی و معنويست تعلّق بجسمانيّات ندارد . مثلاً مسأله مسيح از آسمان آمد اين مطلب در مواقع متعدّده از انجيل مصرّح است که ابن انسان از آسمان آمد و ابن انسان در آسمانست و بآسمان رود چنانکه در فصل ششم آيه سی و هشتم از انجيل يوحنّا ميفرمايد :" زيرا من از آسمان آمدم " و همچنين در آيه چهل و دوم ميفرمايد که :" گفتند آيا اين شخص يسوع بن يوسف نيست که پدر و مادر او را ميشناسيم چگونه ميگويد من از آسمان آمدم " و همچنين در انجيل يوحنّا در فصل سيم آيه سيزدهم ميفرمايد :" و کسی بآسمان نرفت مگر کسی که از آسمان آمد ابن انسان آنکه در آسمانست ". ملاحظه کنيد که ميگويد ابن انسان در آسمان است و حال آنکه حضرت آن وقت در زمين بودند و همچنين ملاحظه کنيد که صراحةً ميفرمايد مسيح از آسمان آمده است و حال آنکه از رحم مريم بود و جسم حضرت از مريم تولّد يافت . پس واضح شد که مقصد از اين عبارت که ميفرمايد ابن انسان از آسمان آمد امريست معنوی نه ظاهری روحانيست نه جسمانی يعنی هر چند حضرت مسيح بظاهر از رحم مريم تولّد يافت ولی فی الحقيقه از آسمان مرکز شمس حقيقت عالم الهی ملکوت رحمانی آمد . و چون واضح شد که مسيح از آسمان روحانی ملکوت الهی آمد پس مقصود از غيبوبت مسيح در زير زمين سه روز نيز امری معنويست نه ظاهری و همچنين قيام مسيح از بطن ارض نيز امريست معنوی و کيفيّتی است روحانی نه جسمانی و همچنين صعود مسيح بآسمان آن نيز امريست روحانی نه جسمانی . و گذشته از اين بيان اين آسمان ظاهری فنّاً ثابت و محقّق گشته که فضای نامتناهی و فارغ و خالی و جولانگاه نجوم و کواکب نامتناهی است . لهذا بيان ميکنيم که قيام مسيح عبارت از اينست که حضرات حواريّين بعد از شهادت حضرت مسيح مضطرب و پريشان شدند حقيقت مسيحيّه که عبارت از تعاليم و فيوضات و کمالات و قوّه روحانيّه مسيحيّه است دو سه روز بعد از شهادت خفيّ و مستور شد جلوه و ظهوری نداشت بلکه حکم مفقود يافت زيرا مؤمنين عبارت از نفوس متعدّده بودند و آنان نيز مضطرب و پريشان امر حضرت روح اللّه مانند جسم بی جان شد . و چون بعد از سه روز حضرات حواريّون ثابت و راسخ گشتند و بر خدمت امر مسيح قيام نمودند و مصمّم بر آن شدند که تعاليم الهی را ترويج کنند و وصايای مسيح را مجری دارند و قيام بر خدمت مسيح کردند حقيقت مسيح جلوه نمود و فيض مسيح آشکار گشت و شريعت مسيح جان يافت و تعاليم و وصايای مسيح ظاهر و آشکار گرديد يعنی امر مسيح مانند جسد بی جانی بود جان و فيض روح القدس احاطه نمود اينست معنی قيام مسيح و اين قيام حقيقی بود . و چون قسّيس‌ها معنی انجيلرا نفهميدند و برمز پی نبردند لهذا گفتند که دين مخالف علم است و علم معارض دين زيرا از جمله اين مسأله صعود حضرت مسيح با جسم عنصری باين سمای ظاهری مخالف فنون رياضی بود و لکن چون حقيقت مسأله آشکار گردد و اين رمز بيان شود بهيچ وجه علم معارضه ننمايد بلکه علم و عقل تصديق نمايد .